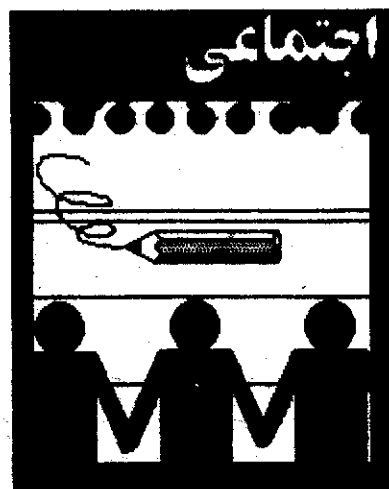


ریشه‌یابی جرم و جنایت در ایران؛ بزهکاری‌های عادی، جنایتهای سازمان یافته



بزهکاری و جنایت در همه جوامع بشری رواج داشته، دارد و خواهد داشت. حتی در بسته‌ترین جوامع که قوانین جزائی شدیدی نیز در آنها اجرا می‌شود باز هم درصدی از افراد آن مرتکب بزه و جنایت می‌شوند؛ بدین لحاظ می‌توان پذیرفت که حد معینی از جرم و جنایت در یک جامعه امر عادی و اجتناب‌ناپذیر است. اما اگر میزان جرائم و جنایات از این مرز فراتر رود مردم حق داوند نگران شوند و گردانندگان آن جامعه نیز اگر احساس مسئولیت کافی داشته باشند می‌باید درصدد ریشه‌یابی برآیند، و پس از شناخت دلایل رشد آمار جرایم و جنایات برای مقابله با آن قاطعانه اقدام کنند.

درصد طبیعی جرایم و جنایات، و همچنین نوع و شیوه‌های اعمال خلاف و بزهکاریهای خشونت‌آمیز و خونبار در جوامع مختلف متفاوت است. در یک کشور صنعتی و شهرهای بزرگ درصد و نوع جرم و جنایت با کشورهای غیرصنعتی و شهرهای کوچک و روستاها قابل قیاس نیست. حتی بین میزان و نوع جنایات و جرائم در آن گروه از کشورهای صنعتی که مذهب و اخلاق نفوذ بیشتری دارد، با کشورهایی که مردمش مذهب و اخلاق را به حاشیه رانده‌اند، تناسبی وجود

ندارد.

براساس این واقعیات رشد آمار جرم و جنایت در شهرهای بزرگ ایران، و به ویژه تهران امری اجتناب‌ناپذیر بوده است. اما یک پرسش این است که آیا رشد این آمار با توسعه شهرنشینی و ماشینی شدن زندگی ایرانی‌ها تناسب قابل قبولی دارد؟

پرسش‌های دیگری هم مطرح است:

- آیا رشد جرائم و جنایات با ویژگی‌های جامعه ما که مردمش مذهبی و پایبند اخلاق هستند همخوانی دارد؟

- آیا این رشد فقط معلول پیش‌زمینه‌هایی نظیر مشکلات اقتصادی، رشد بی‌رویه جمعیت و افزایش صعودی خانواده‌های پر اولاد و دلایلی از این قبیل که مورد استناد جرم‌شناسان قرار می‌گیرد، بوده است؟

- آیا ماهیت جرائم و جنایات با ساختار اجتماعی ما انطباق دارد؟

- آیا موانعی از این رشد معلول عوارض جبری یک انقلاب، و پس از آن یک جنگ تحمیلی هشت ساله است؟

- آیا عدم کارآئی سازمانهای مسئول جلوگیری از وقوع جرم و جنایت در افزایش تعداد جرائم و جنایات اثری داشته است؟

- آیا قوانین کیفری ما واجد آن کارآئی هست که میل به ارتکاب جرم و جنایت در روان گروهی از افراد مستعد ارتکاب این اعمال را سرکوب کند؟
- و خیلی آیاهای دیگر...

باید پذیرفت هر یک از عوامل فوق در افزایش آمار جرائم و جنایات تأثیرگذار بوده‌اند. ضمن آنکه به گفته گروهی از مطلقین، دو عامل دیگر را هم باید در این افزایش مؤثر دانست:

۱- ارتکاب جرائم سنگین مالی و غیرمالی بوسیله گروهی از حدپریت‌ها که خود باید سرمشق جامعه باشند. در این مورد یک نکته که بار موضوع را منفی‌تر می‌کند این است که برخی از مرتکبین این جرائم در فرصت‌های متعارف به محاکمه کشیده نمی‌شوند، و

گاه مجازات‌هایی که برای آنان تعیین می‌شود متناسب با سنگینی جرم ارتکابی نیست. این موضوع خصوصاً در مورد مرتکبین برخی از اختلاس‌های هنگفت، یا سوء استفاده‌های شگفتی‌آور از مقام و موقعیت مصداق بیشتری دارد. گاهی اوقات تعلق مجازات، و یا طول کشیدن دوران تجدید نظرخواهی متهمان محکوم شده نیز مزید بر علت‌های قبلی می‌شود.

۲- دوگانگی‌های گوناگون اعتقادی و رفتاری که به ویژه در روحیه نسل جوان و نوجوان (و حتی کودکان) آثار منفی شدید برجای می‌گذارد. وقتی گفتار و رفتار اولیا در خانه و مدرسه با رفتارهای خود ایشان تفاوت بسیار دارد، باید منتظر بروز ناهنجاریهای روحی و رفتاری در کودکان، نوجوانان و جوانان بود. وقتی پندها، درسها و مواظب اخلاقی با رفتارهای پدران و مادران، مدرسان و پندهندگان مغایر باشد نباید انتظار داشت کودکان، نوجوانان و جوانان مسائل اخلاقی و باید و نبایدهای شرعی و قانونی را جدی بگیرند.

جنایات سازمان یافته

در هر حال رشد آمار بزهکاری در ایران، و بویژه شهرهای بزرگ در سالهای اخیر قابل انکار کردن نیست. هم بزهکاری رشد کرده و هم مردم پرخاشجو شده‌اند. تأمل برانگیزتر از رشد آمار بزهکاری، رواج انوعی از جرم و جنایت در کشور ما است که با ساختارهای فرهنگی-اعتقادی ما، و با بابت اجتماعی کشورمان همخوانی ندارد: جنایات سازمان یافته و خشونت‌های ویژه جوامع بی‌بند و بار صنعتی.

در یک خبر ۱۳ سطر و ۶۰ کلمه‌ای می‌خوانیم ۱۷ نفر اعضای ۶ شبکه دزدان مسلح در کرج گرفتار شدند؛ ۶ شبکه سرقت مسلحانه فقط در یک شهر حومه‌ای.

می‌خوانیم باندهای خطرناکی نظیر یاقوت سرخ، سیندرلا، عقرب سیاه و... جنایات سازمان یافته‌ای را که نیاز به طراحی، پنهان‌کاری و برنامه‌ریزی ویژه دارد

مرتکب شده‌اند.

می‌خوانیم در حوالی میدان شوش مردی بر سر و بدن همسر خود و چهار فرزند باجناقش بنزین می‌باشد و آنها را زنده زنده کباب می‌کند.

می‌خوانیم در خاک سفید تهران پارس مردی بر سر یک اختلاف جزئی، نیمه شب سیل یک ماده آتش را به درون خانه همسایه‌اش سرازیر می‌کند، جهمی از آتش می‌سازد و چند نفر از بین می‌برد. این گونه جنایات و بزهکاریها نمی‌تواند به عنوان پدیده‌ای طبیعی و ناشی از رشد جمعیت، عوارض غزل‌آسا شدن شهرها، نابسامانیهای اقتصادی و دلایل دیگری از این قبیل باشد. پس باید ریشه‌ها را شناخت و درصدد خشکاندن آنها برآمد.

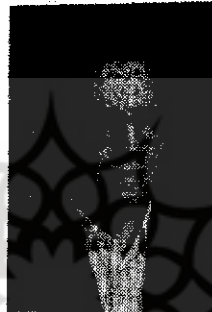
در این ریشه‌یابی - که البته به دلیل محدودیت امکانات مجله جنبه‌های معدودی را شامل می‌شود - نظر چهار تن از صاحب‌نظران در مقولات جرم‌شناسی - جامعه‌شناسی و علوم انسانی را در ادامه همین گزارش درج کرده‌ایم. در صفحات بعد نیز نوشته‌هایی در همین باره چاپ شده است که حاوی نکات درخور تعمقی است.

اینک نظریات کارشناسان:

آقای دکتر محمدحسین فرجاد استاد آسیب‌شناسی اجتماعی دانشگاه می‌گوید: اصل ارتکاب بزه یا جرم به نظر من یک امر ذاتی نیست، بلکه یک امر اکتسابی است و اصولاً به سه عامل بستگی دارد که عبارتند از: فرد، خانواده و جامعه. تأثیری که جامعه روی دو عامل فرد و خانواده دارد خیلی بیشتر از عوامل دیگر است. بنابراین در ایجاد بزهکاری هم شرایط بیولوژیک مؤثر است، هم عوامل اجتماعی و روانی، مانند ناامن بودن و سالم نبودن محیط اجتماعی و پرورشی. به نظر من هیچ کس از مادر مجرم متولد نمی‌شود، چون بزهکاری یک امر اکتسابی است. اگر پدری در خانواده خشونت کند بچه‌اش خشونت را از طریق ارتباط اجتماعی کسب می‌کند نه اینکه خشونت از طریق ژن به فرزند منتقل شود. این چیزی است که متأسفانه هنوز جامعه ما نتوانسته آن را درک کند. این نکته مسلم است که وقتی در اجتماع انسانها آرایش اجتماعی و بسا تأمین اجتماعی نداشته باشند دچار بحرانها و مشکلات روانی- رفتاری می‌شوند بنابراین نمی‌توانند خودشان و زندگی‌شان را اداره کنند و خود به خود به سمت روشهای انحرافی کشیده می‌شوند. مثلاً در مسئله اعتیاد می‌بینیم اول به فرد مواد مخدر را تعارف می‌کنند و پولی نمی‌خواهند ولی زمانی که شخص معتاد شد اگر ثروتمند باشد که پول پرداخت می‌کند، در غیر این صورت باید با فروش مواد مخدر مخارج اعتیاد خود را تأمین کند. یعنی در حقیقت محیط اجتماعی ناسالم

باعث شده است که اولاً یک فرد معتاد شود و ثانیاً این شخص معتاد خود در طول عمر کوتاهش (چون معمولاً مرگ زودرس در انتظار افراد معتاد است) به طور متوسط بین ۵ تا ۱۰ نفر را به منجذاب اعتیاد می‌کشد. بدین ترتیب با ورود افراد معتاد به جامعه، اجتماع نیز آسیب‌پذیر می‌شود و این آسیب‌پذیری اجتماعی به افراد جدید منتقل می‌گردد. اگر بخواهیم پیشگیری کنیم باید تأمین اجتماعی داشته باشیم و این مهم به برنامه‌ریزان اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی برمی‌گردد تا شرایط فراهم کنند که در جامعه تعادل اجتماعی فراهم آید.

انسان تا حدی می‌تواند فشار را تحمل کند. وقتی فشار از میزان معینی گذشت شخص دچار انحراف



دکتر محمدحسین فرجاد



دکتر احمد زنجانی

می‌شود و خطا می‌کند. آدم گرسنه حتی بیخاطر یک قرص نان هم دست به دزدی می‌زند. برای او مهم نیست که چرا سرقت کرده است چون حیاتش در خطر است. در اسلام گفته شده است گوشت انسان حرام است، مرده انسان نیز حرام مضاعف است، ولی اگر برای سد جوع باشد؛ تا اندازه‌ای که شخص را از مرگ نجات دهد، استفاده از آن در شرایط خاص بحرانی قابل تصور است. غریزه تازع بقا در کل موجودات وجود دارد، بنابراین اگر فردی دچار بحران و فشار شود به راههای مختلف انحرافی کشیده می‌شود، پس تأمین اقتصادی اجتماعی شرط اول است.

عامل مؤثر دوم برای جلوگیری از بزهکاری، توسعه و پیشرفت آموزش و پرورش، اصلاح اجتماعی، پاک‌سازی محیط اجتماعی و جدا کردن افراد آسیب‌پذیر و آلوده است. در مددکاری اجتماعی بخشی است بدین مضمون که اگر شخصی را

نمی‌توانی از طریق فردی اصلاح کنی بیاروش در یک گروه بخاص و از طریق گروه درمانی مشکلت را حل کن. بنابراین فقط با صحبت من و دیگر اساتید در این زمینه مشکل جامعه حل نمی‌شود بلکه باید روی عوامل بزهکاری، خشونت و ناهنجاریهای اجتماعی تحقیق علمی شود، البته نه اینکه هر کس بیاید سلیقه و نظر خودش را اعمال کند. نتیجه تحقیقات را باید بصورت برنامه‌ریزیهای اجتماعی مورد استفاده قرار داد و نباید هم توقع داشت که این آسیب‌پذیری جامعه مثلاً دو یکسال اصلاح شود چون در این مدت به وجود نیامده که بشود در یک سال رفع کرد.

متأسفانه در جامعه ما تحقیق را آنطور که باید و شاید نمی‌شناسند. هم اکنون در مراکز اجرایی و سازمانهای اجتماعی کسور افرادی برای انجام پژوهش‌های علمی دعوت می‌شوند، متها بیشتر کسانی که جذب می‌شوند نه تخصص علمی در زمینه خاص پژوهشی دارند نه با روشهای علمی تحقیق آشنا هستند، بنابراین باید تحقیق علمی توسط افرادی که در این زمینه صاحب دانش، تخصص و تجربه هستند انجام شود و نتیجه‌اش در برنامه‌ریزیهای اجتماعی - اقتصادی به کار گرفته شود. در اجرای دقیق نتایج هم باید کوشا بود. ضمناً توقع هم نباید داشته باشیم که مثلاً مشکل بزهکاری نوجوانان در عرض یک سال حل شود، نه این طور نمی‌شود؛ بلکه باید با برنامه‌ریزی اجتماعی کوتاه مدت (مثلاً ۳ برنامه‌ریزی ۳ ساله) و برنامه‌ریزی‌های بلند مدت (مثلاً چند برنامه‌ریزی ۵ ساله) این مشکلات از بین برود.

در این میان این وسایل ارتباط جمعی یعنی رادیو، تلویزیون و مطبوعات هستند که می‌توانند جامعه را در کوتاه‌ترین مدت تغییر دهند، ولی متأسفانه هر سه این نهادهای اجتماعی به صورت یک جامعه بسته‌ای درآمده‌اند و بجای اینکه از متخصصین فن استفاده کنند از افرادی استفاده می‌کنند که در شرایط موجود از طریق آشناپان دعوت می‌شوند. من به عنوان اولین کسی که از ۲۵ سال پیش سرگرم پژوهش علمی در زمینه علل و عوارض اعتیاد در ایران هستم، با کمال تأسف باید بگویم مسئله اعتیاد در جامعه ما به صورت داستان مشهدی تقی مطرح می‌شود نه چگونگی پیشگیری و کاهش اعتیاد.

در تلویزیون چند برنامه راجع به اعتیاد گذاشته می‌شود ولی در آنها کسانی صحبت می‌کنند که حتی الفسبای خود واژه اعتیاد را نمی‌دانند، در مورد بزهکاری اظهار نظر می‌کنند، در حالی که همه چیز را می‌دانند جز مسایل مربوط به بزه‌کاری را، می‌بینیم آدمهایی راجع به خانواده صحبت می‌کنند که در زندگی شخصی خودشان مشکل دارند.

من نه در کلاسهای درسی و نه در کتابهایم هیچ

کجا صحبت از درمان قطعی بزهکاری و جرم نکرده‌ام، بلکه همیشه گفته‌ام پیشگیری و کاهش، بعد درمان.

در مورد علل بروز نوع جدیدی از ناهنجاریها در جامعه‌مان می‌توان گفت: جرائمی که در ایران طی سالهای اخیر کشف شده به صورت جرائم اتفاقی یا گروهی است و آنها ناشی از اختلالات روانی و رفتاری می‌باشد. مسئله فشارهای اجتماعی و اقتصادی باعث شده است که مثلاً پدر و مادر یا اولیای مدرسه کمتر به فکر تربیت فرزندان و

دانش‌آموزان باشند ضمناً بی‌توجهی به بحرانهای دوران بلوغ نیز می‌تواند باعث گسترش این گونه اختلالات شود.

موضوع به قتل رساندن اعضا یک خانواده نیز ناشی از اختلالات روانی، رفتاری است که این مسئله بیشتر به فشارهای زندگی، فقر آموزشی و فقر فرهنگ مربوط می‌شود. بنابراین بهتر است با برنامه‌ریزیهای آموزشی اجتماعی و ارائه خدمات روان درمانی، گروه درمانی و جامعه درمانی این موارد را درمان کرد. در جرایم گروهی گاه اعضا باند بزهکاری انجام اعمال جنایت آمیز خود را نه تنها زشت نمی‌دانند بلکه به انجام این گونه رفتارهای ضداجتماعی و ضداخلاقی مسیحات نیز می‌کنند. بنابراین توصیه می‌شود با شیوه‌هایی که در زمینه بالا بردن رفتارهای انسانی مؤثر است نسبت به تهذیب و ترتیب این گونه افراد اقدام شود. طبیعی است پدری که همسر و فرزندان خود را می‌کشد فردی است شدیداً بیمار که باید قبل از ارتکاب به این گونه جنایات شناسائی و درمان شود. پر واضح است که اگر این کار انجام نشود جامعه دچار هراس اجتماعی خواهد شد.

از شرایط آموزشی تا زیاده‌خواهی‌ها

آقای دکتر احمد رنجبر استاد ادبیات و علوم انسانی دانشگاه می‌گوید: به نظر من ریشه ناهنجاریهای اجتماعی برمی‌گردد به وضع پرورش جوانان و وضعیت دانش‌آموزان در مدارس. بعضی از معلمین در این مدارس، بخصوص در تهران کارشان فقط درس دادن و انجام وظیفه در راه تدریس است، نه راهنمایی دانش‌آموزان در زمینه مسایل اخلاقی و اجتماعی. چون بعضی در آن سطح نیستند که بتوانند بچه‌ها را به طور کامل هدایت کنند، راهنمایی کنند و مشکلات اجتماعی را به آنان بفهمانند، در نتیجه مسائلی برای بچه‌ها پیش می‌آید. معلم باید انگیزه معلمی داشته باشد تا بتواند

است، منتهی همین تعدادی که اضافه شده مربوط به کسانی است که اغلب نمی‌توانند بچه‌های خود را خوب تربیت کنند. چون امکانات در روستاها بخصوص برای خسانواده‌های پرجمعیت کمتر است تعدادی از آنان رو می‌آورند به شهرهایی نظیر تهران. در اینجا زرق و برق تهران را می‌بینند، می‌خواهند با دیگران همگام شوند و چون نمی‌توانند، اغلب روی می‌آورند به جرائم مختلف و در نتیجه ناهنجاریها به وجود می‌آید.

ما باید فرهنگ را در جامعه تا آنجا بالا ببریم که افراد متوجه شوند اساس زندگی پول نیست، زندگی مادیات نیست، انسان باید بدانند از خلقش هدفی است بنس والا و باارزش؛ این نیست که شخص تلاش کند فقط برای اینکه یک تومان را ده تومان و ده تومان را صد تومان و... کند. در زمینه بروز نوعی از خشونت‌های جدید در جامعه نیز باید گفت: مشکلاتی که به این شکل در جامعه به وجود می‌آید قابل تحلیل از دیدگاههای مختلف است: مسئله کثرت جمعیت، مسائل تربیتی و اخلاقی از اهم آنها هستند که همتر از همه شاید بحث اخلاقی باشد، وقتی در یک جامعه جمعیت بی‌رویه رو به رشد می‌گذارد گاهی عدم امکان تعلیم و تربیت پیدا می‌کند و سطح اخلاق نیز تنزل یابد و در نتیجه تعدادی از جوانان به کارهایی دست می‌زنند که قابل قبول برای یک جامعه پیشرفته یا در حال پیشرفت مثل ایران نیست. برای جلوگیری از بروز این گونه جرائم بهترین وسیله، کنترل اخلاقی جوانان است. در این رابطه در مدارس معلمین، و در دانشگاهها اساتید موظف به اجرای این آموزشها می‌باشند. البته برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی مفید و با ارزش نیز می‌تواند کمک مؤثری برای جلوگیری از بروز این گونه جرائم باشد همانگونه که اگر وسایل ارتباط جمعی در این راه صحیح عمل نکنند خود می‌توانند باعث بروز یا گسترش ناهنجاریها در اجتماع شوند.

هنشاه واقعی بزهکاری فقر است

آقای دکتر محمد پارسا استاد روان‌شناسی دانشگاه می‌گوید: موضوع بزهکاری یکی از مسایل بسیار مهم اجتماع است. به عقیده من بزهکاری معلول سه عامل است که عبارتند از فقر، جهالت و نداشتن پرنسپ اخلاقی.

انسان یک موجود نیازمند است؛ بدین جهت «آبرهام مزولو روان‌شناس معروف آمریکایی برای

بچه‌ها را کاملاً ارشاد کند. این مسئله را اگر ما گسترش دهیم در سطوح بالاتر، مثلاً در دانشگاهها، باز هم وضع به همین ترتیب است.

مسئله دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است به اجتماع برمی‌گردد؛ در شهری مثل تهران که جامعه از گروههای مختلف با عقاید و اندیشه‌های گوناگون شکل گرفته، طبیعی است که ناهنجاریهای اجتماعی مختلفی نیز در آن وجود داشته باشد. در این مورد مثالی می‌زنم که مطلب روشن‌تر شود: فرض کنیم فلان فرد از فلان روستا به تهران آمده است. او در اینجا می‌بیند فلان آقا لباس تشنگی به تن دارد، یا فلان ماشین زیر پایش است... با خود می‌گوید چرا من نداشته باشم. می‌گردد برای بدست آوردن خواستهای راهی پیدا کند، ولی اغلب راهی که می‌یابد راه خلاف و غیرقانونی است یعنی راه اعتیاد، سزقت، فروش مواد مخدر یا راههای دیگر. بعضی اوقات این مشکلات به خانواده‌ها نیز سرایت می‌کند، بدین ترتیب که زن و فرزند توقعاتی دارند، مرد خانه نمی‌تواند آنها را برآورده کند، در نتیجه ممکن است زن و یا فرزندان او به راه خطا کشیده شوند.

به نظر من یکی از عوامل بسیار مؤثر در ناهنجاریهای اجتماعی مسائل اقتصادی است. اگر این مسائل اقتصادی به گونه‌ای معقول حل شود و افراد هم به آنچه که دارند قانع باشند، می‌توانند زندگی خودشان را بر آنچه که دارند بنا کنند که در این صورت قطعاً این مشکلات به تدریج حل خواهد شد.

مسئله دیگری که باید به آن توجه شود کنترل جمعیت است. در این مورد در ایران کارهایی انجام شده و موفق هم بوده ولی کار بیشتر روی افراد تحصیل کرده صورت گرفته است، یعنی کسانی که اغلب در سطوح بالای اجتماعی هستند و امکانات تربیت فرزندان خود را دارند خود را مسئول و مقید به کنترل جمعیت کرده‌اند. درست است که چند سالی است رشد جمعیت ایران در یک حد معقولی باقیمانده

انسان یک سلسله نیازهای بنیادی در نظر گرفته است که از آن جمله اند: اول نیاز به غذا و خواب (باید این نیازها تأمین شود تا شخص بتواند روی پایش به ایستادن و حرکت های طبیعی داشته باشد) امنیت شغلی، جانی، مالی و ناموسی، بعد از تأمین نیازهای فیزیولوژیکی (نیازهای بدنی) که گفته شد باید این

نیازها نیز تأمین شود تا شخصی احساس آرامش کند. سوم نیازهای عشقی و تعلق. بدون شک هر موجود زنده ای نیازهای عشقی دارد که باید آنها نیز تأمین شود. چهارمین نیاز، نیاز حرمت نفس است، به قول سعدی که می فرماید سعدی با حب وطن گرچه حدیثی است عزیز... یعنی محیط اجتماعی ما باید انسان ساز باشد و حرمت نفس ما حفظ گردد.

دو نیاز دیگر نیز وجود دارد: یکی نیاز به دانایی که در مرتبه بالاتر قرار دارد و دیگر نیاز به زیبایی. انسان احتیاج به دیدن مناظر خوب و قشنگ دارد، اینها نیازهای بشری هستند و تا این نیازها را رفع نکنیم فقر از میان ما نمی رود، مدینه فاضله عبارت است از جامعه ای که نیازهایش رفع شده باشد.

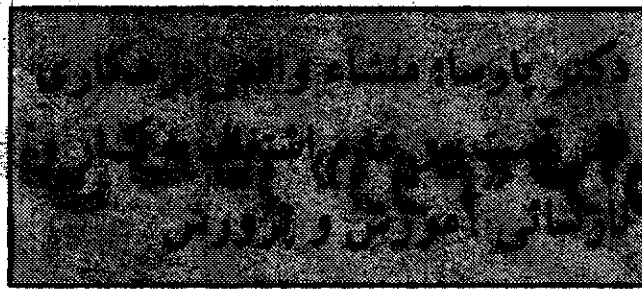
به عقیده من باید فرهنگ تعمیم یابد چون جهالت در دنیاساک است و بسبب ختانه ما چسب جهالت را می خوریم. سعدی می گوید «در جوانی اگر می دانستم و در پیری اگر می توانستم...» در واقع ما باید فرزندانمان را در کودکی و نوجوانی خوب تربیت کنیم. اگر غفلت کنیم خیانت کرده ایم. ما اگر نتوانیم روی یک منطبق صحیح، تعلیم و تربیت فرزندانمان را پیاده کنیم هرگز از این منحصه رها نخواهیم شد، یعنی هم باید به نیازهای بنیادی آنان ترتیب اثر دهیم و هم اینکه پیش از حال به جوانان توجه کنیم و آنان را در یک مسیر انسان ساز که واقعاً عشق و علاقه به این آب و خاک در آنها باشد قرار دهیم.

در مورد بروز بزه کاری و نوع جدیدی از ناهنجاریها نیز باید گفت: منشاء واقعی بزه کاری فقر است و نداشتن اشتغال به کار و ناتوانی و نارسائی آموزش و پرورش.

از دیگر علل بروز بزه کاری می توان دیدن فیلم های جنائی را ذکر کرد. اگر برای جوانان زمینه اشتغال بکار فراهم شود به طوری که آنان پس از تحصیلات به نتوانند شغلی داشته باشند خودبخت و زمینه بروز ناهنجاریها و بزه کاری از بین خواهد رفت و پاکیزگی بیشتر خواهد شد.

چین و آمریکا جرم و جنایت

آقای دکتر پرویز شیرانی استاد دانشگاه و محقق



نیز گفت: برای اینکه بهتر بتوانیم علت این را که چگونه بزه کاری شکل می گیرد درینایم من مجبور هستم مثالی بزنم: وقتی یک خانواده از یک نفر تشکیل شده باشد درگیری و جنجال کم است، زمانی که یک نفر متأهل شد یعنی دو نفر شد جنجال و ناهنجاری بیشتر می شود و در این حالت یک مقدار ناهنجاری طبیعی به وجود می آید، زمانی که این تعداد به سه نفر یا بیشتر افزایش پیدا کرد ناهنجاریها زیاده تر می شود. برای جلوگیری از بروز این مشکلات است که توصیه می شود با مطالعه همسر انتخاب کنید، کسی را برگزینید که خوب تربیت شده و مطابق معیارهای محیط زیست خود پرورش یافته باشد؛ در این صورت خود به خود ناهنجاریها حتی با وجود کثرت جمعیت پائین خواهد بود. به عنوان مثال در کشور چین با این که جمعیت زیاد است ناهنجاریهای اجتماعی آن احتمالاً کمتر از بعضی از کشورهای اروپایی و یا حتی کمتر از ایالت نیویورک است چون آنان با سبک



دکتر محمد باقر



دکتر پرویز شیرانی

خودشان فرزندانمان را تعلیم می دهند و برای زندگی در اجتماع خود تربیت می کنند. آنان اگر از خارج از کشورشان فرهنگی را بگیرند قسمت خوب مورد

مصرف جسمانه خودشان را اقتباس می کنند نه هر چه را که عرضه شد.

به نظر من تنها جمعیت نمی تواند باعث بزه کاری شود بلکه اگر به موازات ازدیاد افراد خانواده و محیط زیست آموزش و تعلیم هم وجود داشته باشد میزان بزه کاری کم خواهد شد. اگر مهاجرت های بی رویه نباشد

یعنی دروازه باز نباشد که هر فردی به شهر بیاید و مثلاً فلان کشاورزی که به دلیلی نتوانسته در روستا بماند بدون اینکه تحصیلاتی بکند و تحت تعلیم قرار گیرد بخواهد در شهر بزرگی زندگی کند این خود باعث بروز ناهنجاریها می شود که همه روزه به صور مختلف نمونه هایی از آنها را می بینیم. مثلاً در خیابان تصادف می شود. بلافاصله دو نفر از اتومبیل پیاده شده و با یکدیگر گلاویز می شوند. مهاجرت در تمام دنیا وجود دارد ولی به نظر من مهاجرت بدون حساب می تواند مسئله ساز باشد. من در سال ۱۳۳۵ پس از اتمام تحصیلات متوسطه به تهران آمدم در اینجا تحصیلات دانشگاهی انجام دادم و بطور طبیعی تحت تعلیم قرار گرفتم و با معیارهای شهرنشینی آشنا شدم. سپس در اینجا ساکن شدم اگر بی روی اینگونه مهاجرت ها مطالعه کنید می بینید ناهنجاریها برای این گونه افراد کم است ناهنجاریها و در نهایت بزه کاری بیشتر در زندگی افرادی است که بدون داشتن زمینه های فرهنگی، علمی و تخصصی از جایی به جای دیگر منتقل شده اند.

در مورد علت بروز ناهنجاریها و بزه کاریهای جدیدی که اخیراً به وجود آمده است می توان گفت: این وقایع که در مطبوعات درج شده است بیشتر مربوط می شود به شهرهای بزرگ.

آن دسته از وسایل ارتباط جمعی که اخبار خارجی مربوط به این امور را منعکس می کنند اگر با دقت عمل نکنند سبب می شوند این اخبار اثر سوء بر روی افراد بی تجربه و کم سن بگذارد. به نظر من علل دیگری که می تواند باعث بروز این گونه بزه کاریها گردد برمی گردد به مسئله ازدیاد بی حساب جمعیت. اگر در هر منطقه ای جمعیت به اندازه ای باشد که از لحاظ تعلیم، آموزش، فرهنگ و بهداشت مشکلی به وجود نیارد بالطبع بیکاری به خصوص برای جوانان وجود نخواهد داشت و در این صورت زمینه برای فراگیری و بروز ناهنجاریها بسیار کم شده و حتی ممکن است کاملاً از بین برود.

البته باید گفت که رفاه بیش از حد هم می تواند در بعضی از موارد فساد برانگیز باشد.